

بررسی تحلیلی آینده خانواده در روایات آخرالزمان (عصر قبل از ظهور)

رحیم کارگر^۱

چکیده:

خانواده، کانون تغییرات و دگرگونی‌های گسترده در حال و آینده است و این مسئله مورد توجه جدی پژوهشگران و جامعه‌شناسان است. تحولات خانواده، هم اصل وجودی آن و مسئله تزلزل و فروپاشی اش و هم ابعاد و عناصر گوناگون آن (ارزش‌ها، ساختار، کارکردها و ارتباطات) را در برمی‌گیرد. در روایات اسلامی، به این دگرگونی‌ها، اشاره و در دو بخش مسائل آخرالزمانی و عصر ظهور مطرح شده است. تغییرات خانواده در دوران آخرالزمان، بیشتر شامل فروپاشی خانواده‌ها، ارزش‌زدایی، تضعیف کارکردهای مثبت، قطع ارتباطات سالم، افزایش روابط نامشروع، جا به جایی نقش‌های خانوادگی و غیره می‌شود و از گرفتاری عموم خانواده‌ها به این چالش‌ها و آسیب‌ها سخن به میان آمده است. روایات مربوط به عصر ظهور، ناظر به این نکته است که ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در این برهه حساس و پر هشدار روی می‌دهد و حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، خانواده و اجتماع را در مسیر درست خود قرار می‌دهند. این امر به ترسیم وضعیت مطلوب و آرمانی خانواده در پرتو جامعه موعود مهدوی و لزوم توجه جامعه به این آرمان والا به عنوان چشم‌انداز جامعه دینی کمک می‌کند. روش تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای است که با توجه به منابع مختلف روایی و جامعه‌شناسی و نیز آخرین آمار مراکز رسمی و سایت‌های معتبر انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: خانواده، آخرالزمان، آینده پژوهی، مهدویت، عصر ظهور

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی rkaregar313@gmail.com

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه اسلامی و نظام اجتماعی در ایران محسوب می‌شود که در چند دهه اخیر دگرگونی‌های گوناگونی داشته است. وضعیت کنونی خانواده، نشانه‌هایی دارد که بیانگر ایجاد یک سری تغییرات در خانواده است. نشانه‌های این دگرگونی‌ها شامل همسرگزینی تا تشکیل، دوام و نوع فرزندآوری خانواده است که در نهایت، سبب مشکلاتی مانند طلاق و جدایی‌ها می‌شود. درک این دگرگونی‌ها و پیش‌بینی آثار و عواقب آن، از ابعاد مختلف اهمیت دارد. تغییرات ناشی از پدیده‌های تأثیرگذار در درون فضای خانواده‌ها و رویدادهای بیرون، آسیب‌های جدیدی را به همراه دارند که این آسیب‌ها وضعیت خانواده ایرانی را می‌تواند با بحران رو به رو کند. در واقع، این تغییرات که به دلیل دگرگونی ارتباطات شغلی، اجتماعی، اقتصادی، پیشرفت‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری و غیره صورت پذیرفته، بر جنبه‌های ساختاری و ارزشی خانواده تأثیر گذاشته است.

گروهی از کارشناسان مسائل خانواده و اجتماع، به سرپرستی بری در آمریکا، پس از یک مطالعه نُه ساله به این نتیجه رسیدند که بحران‌های اجتماعی و روانی در جهان معاصر سبب تضعیف و تزلزل و در نهایت، سقوط خانواده‌ها خواهد شد. این بحران‌ها عبارت است از: استرس‌های رو به تزاید در زمینه‌های تحصیلی و شغلی ناشی از زندگی ماشینی و پیشرفت تکنولوژی؛ تغییرات بنیادین در الگوهای تولید؛ تغییرات در شیوه‌های زندگی افراد؛ تورم و بحران‌های شدید اقتصادی؛ تبعیض‌های اجتماعی؛ افزایش شدید جمعیت؛ مهاجرت‌های بی‌رویه؛ ازدواج و شهرنشینی؛ آزادی‌های جنسی؛ گسترش اعتیاد و از همه مهم‌تر، کاهش یا سقوط ارزش‌های اخلاقی و مذهبی که نهاد مقدس خانواده را دستخوش شعله‌های وحشیانه و بی‌رحمانه خود گردانیده و مبانی خانواده، به ویژه در جوامع غربی را تضعیف کرده است (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۹).

با مطالعه آمارهای گوناگون درباره خانواده، به این نتیجه می‌رسیم که خانواده امروزی به شدت و چه بسا تا حد مرگ‌باری بیمار است! گاهی در ایران نیز این مسئله به حد بحران نزدیک می‌شود. متأسفانه هم تعداد خانواده در حال کاهش است و هم گونه اصیل آن در خطر نابودی قرار گرفته است. سیر صعودی طلاق در کشور، در حال جا به جا کردن رکوردهای جهانی است؛ بر اساس برآوردهای غیررسمی، ایران در این باره به رتبه چهارم جهان صعود کرده است! به همین دلیل، مسئله خانواده، یکی از جدی‌ترین مسائل جامعه ما است که از جنبه‌های گوناگون قابل

تحلیل و ارزیابی است؛ به ویژه وضعیت آتی خانواده از دیدگاه دینی باید بررسی شود. در منابع دینی، به مسئله خانواده از چند جنبه توجه جدی شده و نسبت به آن هشدار داده شده است:

- تأکید بر ارزش و اهمیت زیاد خانواده و تلاش برای حفظ قداست و استحکام آن؛
- آینده‌نگری و پیشگویی وضعیت خانواده در آخرالزمان و ارائه هشدارهای جدی در این باره؛
- ارائه وضعیت مطلوب و آرمانی خانواده در پرتو جامعه موعود مهدوی و لزوم توجه جامعه به این آرمان والا به عنوان چشم‌انداز جامعه دینی.

در این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش هستیم که چه پیشگویی‌هایی در منابع دینی درباره تحولات خانواده، به ویژه قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت گرفته است و چه نسبتی این دگرگونی‌ها با وضعیت فعلی ما دارد؟

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است. با دسته‌بندی روایات می‌توان به سه رویکرد روایی در این باره دست یافت:

الف. احادیث آخرالزمان که هشدارها و اندازهای جدی درباره خانواده و عناصر و اجزای گوناگون آن دارد.

ب. روایات مهدویت درباره کلیات تغییر و تحول فرهنگی در عصر ظهور که به صورت غیر مستقیم، بخشی از مسائل خانواده را در برمی‌گیرد.

ج. احادیثی که به طور مستقیم به زن و خانواده مربوط است و بخش‌های گوناگونی از مسائل خانواده، مانند کارکرد تربیتی، امنیت و آرامش در خانواده، روابط خانوادگی و مسائل ارزشی آن را در برمی‌گیرد.

۱. تحولات آینده خانواده (در آخرالزمان)

خانواده هم از لحاظ فرهنگ سنتی و هم از نظر مذهبی در ایران اهمیت بسزایی داشته است. از این رو، بدون در نظر گرفتن اشکال یا انواع خانواده یا میزان اهمیتی که افراد هر جامعه به خانواده می‌دهند، خود خانواده موضوع مهمی است. در پیمایش ملی سال ۱۳۸۴، دیدگاه افراد درباره میزان اهمیت خانواده بررسی شده است. نتایج نشانگر اهمیت بالای خانواده در میان افراد جامعه ایرانی است. بر اساس نتایج این پژوهش، بیشتر پاسخگویان (۹۳/۵ درصد) اهمیت

زیادی برای خانواده در زندگی خود قائل هستند. ۵/۳ درصد پاسخگویان تا حدودی خانواده را مهم دانسته‌اند و فقط یک درصد خانواده را بی‌اهمیت ارزیابی کرده‌اند (صالحی‌امیری و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۷۰). از این رو، می‌توان گفت که هنوز در جامعه ایران، خانواده اهمیت زیادی دارد.

دلایل اهمیت خانواده عبارت است از:

- خانواده نهاد نهادها به شمار می‌آید؛

- شرایط ساختاری و کارکردی خانواده، نمایانگر وضعیت عمومی جامعه ایرانی است؛

- شرایط خانواده بر بسیاری از نهادهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد و حتی

دگرگونی‌های سیاسی را می‌تواند (به نوبه خود) پیش‌بینی کند؛

- خانواده نهاد حساسی است که به سرعت به تحولات ساختاری پاسخ می‌دهد؛

- با پیش‌بینی، می‌توان آسیب‌ها و مشکلات خانواده قبل از وقوع، شناسایی و حدس زده

شود. اما از آنجا که خانواده در روند تحولی جهان، پیوسته تحت تأثیر قرار گرفته، دگرگونی‌های

گوناگونی را تجربه می‌کند؛ از این رو، مطالعه و بررسی این دگرگونی‌ها و پیش‌بینی وضعیت

خانواده در آینده، ذهن بسیاری از متفکران و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. در پنجاه

سال گذشته، خانواده تحولات گسترده‌ای داشته است. بزهکاری، طلاق، خانواده‌های گسسته،

نوزادان بی‌والد، فرار دختران، اعتیاد و افزایش سن ازدواج، نه فقط در کشورهای غربی، بلکه در

کشور ما نیز سبب تزلزل شدید نهاد خانواده و اخلاق در کارکردهای آن شده است. در میان تغییراتی

که این روزها در جریان است، هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، روابط

جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است.

روشن است که تغییر، جزئی از زندگی بشر است. در گذر زمان همه چیز تغییر می‌کند؛ اما مهم‌تر

از آن، آمادگی انسان‌ها برای رویارویی با آثار تغییر و پژوهش در این باره است. در جوامعی که

سرعت تغییرات بیش از آمادگی‌ها و ظرفیت‌های مردم است، نه تنها آسیب‌هایی متوجه عموم

می‌شود؛ بلکه برداشت مردم از تغییر نیز منفی خواهد بود. وضعیت امروز خانواده، مصداقی از این

موضوع است. در گذار از سنت به مدرنیته و به همراه تغییرات آشفته فرهنگی جامعه، خانواده

دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه می‌کند. درک این دگرگونی و پیش‌بینی آثار و عواقب آن، از

ابعاد مختلف می‌تواند حائز اهمیت باشد. تغییرات ناشی از پدیده‌های تأثیرگذار در درون فضاهای

خانواده‌ها و رویدادهای بیرون از آن، آسیب‌های جدیدی دارد. از طرف دیگر، در بیشتر موارد، به

دلیل عدم آمادگی‌های نظام اجتماعی، نگرش‌هایی به شدت منفی در برابر این تغییرات وجود دارد. با نگاه روایی و آخرالزمانی به پدیده خانواده، می‌توانیم تحولات و تغییرات پیشگویی شده را در محورها و بخش‌های گوناگونی شناسایی کنیم و برای رویارویی با هر کدام، برنامه و سیاست مناسبی برگزینیم. در ادامه، چالش‌ها و تحولات خانواده - بر اساس روایات و پیشگویی‌های دینی - و سپس اصل خانواده و عناصر آن بررسی خواهد شد.

۲. اصل خانواده (فروپاشی و تزلزل نظام خانوادگی)

«فروپاشی نظام خانواده»، کلید واژه تحولات فعلی و آتی خانواده در ایران و جهان - به ویژه غرب - است و در جهان امروز، بنیان خانواده بیش از هر زمانی در معرض خطر است. تزلزل و فروپاشی خانواده به عنوان آسیب اجتماعی به صورت فزاینده، نابهنگام و برخلاف انتظار، به دلیل ناکامی برخی از عناصر تشکیل‌دهنده آن در ایفای نقش بایسته اجتماعی خود اتفاق می‌افتد. فروپاشی خانواده عبارت از شکستن واحد خانوادگی یا تجزیه ترکیبی از نقش‌های اجتماعی است، به علت آنکه یک یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود، آن طور که باید و شاید برنیامده است (مساواتی آذر، ۱۳۷۴، ص ۳۱۶). از هم گسیختگی نقش‌ها در خانواده، گونه‌های مختلفی دارد که از عوامل فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی سرچشمه می‌گیرد. از میان آنها، ناسازگاری و طلاق آشکارتر است و از این دو، بیشترین توجه را طلاق به خود اختصاص داده است که آمار و ارقام از افزایش هشداردهنده آن در عصر حاضر خبر می‌دهد. برای نمونه، میزان فروپاشی خانواده در آمریکا از ۶ درصد در سال ۱۸۹۰ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۴۸ رسیده و هم اکنون ۶۰ درصد است. در سوئد، ۶۷ درصد از پیوندهای زناشویی به جدایی می‌انجامد. در اسپانیا از دو ازدواج، یکی منجر به طلاق می‌شود. به گزارش یونسکو، در کشورهای صنعتی جهان، از هر چهار ازدواج، سه مورد به طلاق می‌انجامد. بر اساس گزارش‌های آماری، طلاق در کشورهای اسلامی نیز سیر صعودی نگران‌کننده‌ای دارد. برای نمونه، در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ در برابر هر هزار ازدواج، ۷۵ فقره طلاق و نیز از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ از هر هزار مورد ازدواج، ۹۲ فقره طلاق به ثبت رسیده است. همچنین آمار طلاق از ۷/۹ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۱۰/۳ درصد رسیده است. در عربستان سعودی، ۲۴ درصد از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. در کویت به ازای هر چهار ازدواج، یک مورد جدا می‌شوند. در سال ۱۳۸۰، تهران شاهد یک مورد طلاق در برابر پنج ازدواج و در سال ۱۳۹۲، دو

طلاق در برابر چهار ازدواج بوده است! (رک. کرباسی، ۱۳۸۱، ص ۱۵؛ مساواتی آذر، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰؛ سجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶-۱۸۳).

آمارهای رسمی سازمان ملل در سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که به طور سالانه، متوسط طلاق در دهه ۷۰ میلادی نسبت به اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی در کشورهایی مانند چین، ترکیه، اندونزی، آرگوئه و اکوادرو غیره، به میزان چهار برابر و در ایران، این آمار به دو برابر افزایش یافته است. کشورهای که پیش‌تر آمار طلاق‌شان بسیار پایین بوده است، اکنون با تأثیرپذیری از فرهنگ منحط غربی، در آغاز راهی هستند که کشورهای توسعه یافته غربی، چهار دهه قبل در آنجا قرار داشته‌اند (فروتن، ۱۳۹۲). براساس این آمارها، می‌توان به این حقیقت دست یافت که دنباله‌روی از فرهنگ غربی و حرکت این فرهنگ به سمت انحطاط، اصلی‌ترین عامل برای از هم گسیختن و فروپاشی خانواده‌ها است. در آینده‌نگری دینی، از سست شدن نهاد خانواده، فروپاشی روابط خانوادگی، گسستگی و سپس گسیختگی خانواده‌ها و نیز شیوع طلاق خبر داده شده است. رسول خدا ﷺ در این باره به سلمان می‌فرماید: «و عندها یكثر الطلاق فلا یقام لله حد و لن یضروا الله شیئاً؛ سلمان! قسم به آنکه جانم به دست او است؛ هر چند به خدا ضرری نمی‌رسانند [و به خودشان ظلم می‌کنند] لیکن طلاق زیاد می‌شود و حدود اقامه و اجرا نمی‌شوند» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ص ۴۳۴) و نیز در بعضی منابع آمده است: «إِذَا كَثُرَ الطَّلَاقُ وَ لَا يُقَامُ حَدٌّ هُنكَامِی كَه طَلَقٍ بَسِیَارٍ بَاشَد وَ حُدُودِ الْهَی اقامه نشود» (یزدی حائری، ۱۴۲۱، ص ۱۸۲؛ کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۲۶). در هر دو روایت از زیادی و گسترش طلاق و در واقع، فروپاشی خانواده سخن به میان آمده و آینده‌ای تاریک برای خانواده پیشگویی شده است! متأسفانه دگرگونی‌های اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهان، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدیدی رو به رو کرده است و خانواده در این مدت به شکلی فزاینده به علل متعدد و پیچیده‌ای در برابر تهدید قرار گرفته است. عوامل زیادی باعث شده که زوج‌ها به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست بدهند. کاهش تدریجی خشنودی زوج‌ها نیز ابتدا سبب گسست روانی و سپس گسست اجتماعی و در نهایت باعث بروز و گسترش پدیده‌ای چون «طلاق» می‌شود. امام علی علیه السلام درباره وضعیت نامطلوب خانواده‌ها در آینده می‌فرماید: «أَحْذَرُوا الدُّنْیَا إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَاتِ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ... وَ كَثُرَ الطَّلَاقُ وَ مَوْتُ الْفَجَاةِ وَ حُلِیَّتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ؛ [زمانی می‌آید که] طلاق گسترش می‌یابد و مرگ‌های ناگهانی زیاد می‌شود...» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۵، ص ۲۳؛ ترجمه درر الأخبار، ص ۵۳۸).

در روایات معصومان علیهم السلام مسئله بی توجهی به خانواده و فروپاشی خانواده‌ها، با مسائلی مانند دوری زن و مرد از یکدیگر، اشتغال و ارتباط زنان با زنان و مردان با مردان و غیره مطرح شده که بیانگر تنزل جایگاه خانواده و نابسامانی اجتماع است. یکی از موضوعاتی که درباره خانواده‌های قبل از ظهور مطرح است، بحث بی‌نیازی زن و مرد نسبت به هم و ازدواج شرعی با یکدیگر و در نتیجه، ارتباط‌های نامشروع با هم جنس است! در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «لا تذهب الدنيا حتى يستغنى النساء بالنساء و الرجال بالرجال و السحاق زنا النساء؛ دنیا تمام نمی‌شود تا آنکه زنان با زنان دیگر نیازمندی‌های جنسی خود را برطرف کنند و نیز مردان با مردان دیگر» (مصطفوی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵؛ به نقل از: تهذیب ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۱۱).

در بعضی از احادیث، به اکتفای زن و مرد به هم جنس و پرهیز از خانواده‌گزینی، اشاره و اخبار و پیشگویی‌های ناگواری در این باره مطرح شده است: «إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اِكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السَّرِوَجَ وَ قُبِلَتْ؛ هنگامی که مردان به زنان و زنان به مردان مانند شوند، مرد به مرد بسنده کند و زن بر زن سوار شود. گواهی نیرنگ بازان پسند افتد و گواهی دادگران مردود شود. مردم به خون‌ریزی، زنا و رباخواری مشغول شوند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۸؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۱۹۱). حمران نیز از امام صادق علیه السلام درباره نشانه‌های پایان جهان و عصر قبل از ظهور نقل می‌کند: «و رأیت الفسق قد ظهر و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و رأیت المؤمن صامتا لا یقبل قوله و رأیت الفاسق یکذب و لا یرد علیه کذبه و فریته و رأیت الصغیر یرستحق بالکبیر و رأیت الارحام قد تقطعت و رأیت من یمتدح بالفسق یرضح منه و لا یرد علیه قوله و رأیت الغلام یعطى ما تعطى المرءة و رأیت النساء یتزوجن النساء؛ دیدی که مردها به مردها اکتفا می‌کنند (اشاره به لواط) و زن‌ها به زن‌ها (اشاره به مساحقه) و دیدی که افراد با ایمان خاموش نشسته‌اند و اگر حرف بزنند، سخن آنها را رد می‌کنند و دیدی که دروغگو با شناختی که از او دارند؛ با این حال، دروغش را رد نمی‌کنند و دیدی که افراد کوچک به بزرگ‌ترها احترام نمی‌گذارند و دیدی که مردم قطع رحم می‌کنند و با افرادی که به گناهان مباحات می‌ورزند، با خنده برخورد می‌شود و حرف بد آنان را به ایشان بر نمی‌گردانند و دیدی که پسر بچه‌ها، مانند زنان خود فروشی می‌کنند و دیدی که عده‌ای از زن‌ها با زنان ازدواج می‌کنند و دیدی که تعریف بی‌جا زیاد می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۷۵؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۲۵۴-۲۶۰). این مسائل و چالش‌ها، پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم رخ

خواهد داد و شدت نیاز جامعه بشری به آن حضرت را نشان می‌دهد: «متی یخرج قائمکم؟ قال: اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و ركب ذوات الفروج» (حرعاملی، ۱۴۲۵، ج ۷، ص ۳۹۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۶).

با توجه به این روایات و احادیث زیاد دیگر در این باره، مشخص می‌شود که جامعه جهانی در زمینه خانواده، با چالش‌های اساسی و زیادی رو به رو خواهد بود، اصل مسئله خانواده، در خطر جدی است و انواع و اقسام تضییقات و بحران‌ها را تجربه خواهد کرد. در واقع، فروپاشی و تزلزل خانواده‌ها فقط به جدایی رسمی زن و شوهر از همدیگر نیست؛ بلکه این مسئله ابعاد و زوایای زیادی دارد. پیش از آنکه طلاق رسمی رخ دهد، زوج‌ها دچار طلاق عاطفی می‌شوند. پل بوهانان (۱۹۷۰) معتقد است که طلاق در شش مرحله رخ می‌دهد و اولین مرحله آن، طلاق عاطفی است. او طلاق عاطفی را تنش فزاینده زن و شوهر می‌داند (بخارایی، ۱۳۸۶). بر این اساس، دوران آخرالزمان، دوران بی‌تفاوتی و بی‌توجهی کامل زن و مرد نسبت به یکدیگر است که سبب طلاق عاطفی و از بین رفتن ارزشمندی و قداست خانواده‌ها می‌شود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وإذا رأيت المرأة تصانع زوجها على نكاح الرجال!... رأيت خير بيت يساعده النساء على فسقهن؛ هنگامی که ببینی زن از همسرش مطلع است که او با هم جنس خود رابطه دارد و به روی او نمی‌آورد... و می‌بینی که در بهترین خانه‌ها زن تشویق می‌شود که فسق و فجور کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۹). همچنین از امام علی عليه السلام نقل شده است: «إذا رأيت الرجل يأكل من كسب امرأته من الفجور... يعلم ذلك و يقيم عليه! بل يكرى امرأته و خادمته و جاريتها و يرضى بالدني من طعامه و شرابه و مملذاته؛ هنگامی که زن از راه نامشروع پول به دست آورد و مرد از درآمد او بخورد... وضع نامطلوب او را بداند و با او زندگی کند! زن، کنیز و دخترش را به کرایه بدهد...».

۳. تغییرات در عناصر خانواده

خانواده جزئی از روابط انسانی و عنصری از آن است که از یک سو با عوامل وابسته به محیط خود مانند جامعه، طبیعت و تاریخ رابطه دارد و از سوی دیگر، خود نیز شامل انواع مسائلی می‌شود که روابط زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، فرزندان با هم و سایر روابط یک خانواده را در برمی‌گیرد. رفتار هر یک از اعضای خانواده تابعی از کل نظام خانواده و سیستم‌های فراگیرتر مربوط به آن و نیز سایر اعضای آن خانواده است. بر اساس دیدگاه سیستمی و نگاه کلی‌گرایانه به خانواده،

عناصر و واژه‌های کلیدی عبارت است از: ۱. ساختار؛ ۲. کارکرد؛ ۳. روابط؛ ۴. ارزش‌ها (و اطلاعات). از دیدگاه گلدنبرگ، «خانواده نظامی طبیعی و اجتماعی است که مجموعه‌ای از قواعد را ایجاد می‌کند؛ نقش‌هایی را برای اعضای خود طراحی و به آنان نسبت می‌دهد؛ دارای ساخت سازمان یافته قدرت است؛ شکل‌های ظریفی از تعاملات آشکار و پنهان را ایجاد می‌کند و شیوه‌های مفصل و مبسوطی از مذاکره و حل مسائل دارد که برای اعضاء انجام اثربخش تکالیف متعدد را امکان‌پذیر می‌کند. همچنین بین اعضاء رابطه‌ای عمیق و چند لایه بر اساس تاریخچه مشترک، فرضیه‌ها و ادراک‌های درونی شده درباره جهان و اهداف مشترک وجود دارد. خانواده از طریق وفاداری و دلبستگی‌های هیجانی قدرتمند، پایدار و متقابل به هم گره خورده‌اند. نظام خانواده بعد از مدتی با هم بودن، به اعضای خود یک خود مختاری و با این حال، عضویت خانوادگی تا پایان عمر را اعطا می‌کند» (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۱، ص ۷).

بر این اساس، در نگاه به خانواده توجه به این چهار عنصر (ساختار، عملکرد، رابطه یا ارتباط و ارزش‌ها یا اطلاعات)، ماهیت وجودی آن خانواده و عملکرد کلی آن را روشن می‌کند و خانواده سالم را از خانواده ناسالم یا مختل متمایز می‌کند. خانواده‌ای که در ساختار دچار گسست است (مثلاً زن و شوهر از هم جدا شده‌اند)، روابط غیر انطباقی است (کودکی درس نمی‌خواند یا یکی از نوجوانان معتاد شده است) و ارزش‌ها و تبادل اطلاعات در آن با مشکل رو به رو است (خواست‌ها به روشنی بیان نمی‌شود یا تبادل کلامی در سطح حداقل ممکن است)، حتماً از عملکرد سالم و سازنده بی‌بهره خواهد بود. به عبارت دیگر، سیستم آن از هماهنگی و سازمان یافتگی لازم محروم است (رک. معتمدی، بی‌تا). تغییرات خانواده در آخرالزمان نیز در این عناصر رخ خواهد داد:

۳-۱. تحولات در ارزش‌های خانواده

خانواده، پایه مهم اجتماع و زندگی بشری و کانون اصلی ظهور و بروز هنجارها و ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی و تبادل اطلاعات است. ارزش‌های زیادی در کانون خانواده مورد توجه است که حفظ و قوام آنها، سبب استحکام و پایداری خانواده می‌شود. اصولاً ازدواج و تشکیل خانواده، یکی از کمالات و از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی است. در واقع، علت تشکیل نهاد خانواده، حفظ و تکامل ارزش‌های انسانی است. ارزش‌های اخلاقی متعددی را می‌توان برشمرد که تعالی آنها در نهاد خانواده در نظر گرفته شده است. از جمله این موارد می‌توان عفت، شجاعت و ایثار را نام برد. هر کدام از این ارزش‌ها برای تحقق و تکامل خود نیازمند تشکیل خانواده هستند

و در نتیجه نیز خانواده‌ای که بر مبنای این ارزش‌ها پدید آید، باعث رشد این ارزش‌ها می‌شود (آل اسحاق، ۱۳۸۹، ص ۳۹-۵۵). بر این اساس، ارزش‌های خانوادگی شامل مسائل و محورهای گوناگونی است، از جمله احساس تعلق، انعطاف، احترام، صداقت، عفوکردن، کمک و تعاون، برقراری ارتباط مناسب، مسئولیت‌پذیری، آداب و سنن و غیره.

در اسلام به ارزش‌های خانوادگی توجه بسیاری شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: اعتقاد به خداوند و اولیای او، محبت اولیای الهی، بندگی خداوند، پاکدامنی و رعایت پوشش اسلامی، ابراز محبت، حسن خلق، آراستگی، سخاوتمندی، غیرت، خوش‌گمانی، آرامش بخشی، استقامت در برابر مشکلات، وفاداری و نرم‌خویی (حسین‌خانی، ۱۳۹۰). با این حال، امروزه شاهد تغییرات قابل توجهی در این باره هستیم و می‌توانیم نمودهای گوناگونی از تحولات در ارزش‌ها، مثل بی‌تفاوتی، تضعیف باورهای دینی، سست‌کردن نظام ارزش‌های دینی، ایجاد وابستگی‌های فرهنگی بیگانه و متزلزل کردن ارزش‌های اخلاقی در خانواده‌ها و تخریب بنیان آنها را ببینیم. خانواده یکی از کانون‌های تغییرات ارزشی جامعه محسوب می‌شود که در آن دو، نسل «قدیم» و «جدید» با ارزش‌های مشترک یا متفاوت هم‌زیستی دارند. در دوران نوین و در جوامع صنعتی، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن در خانواده و جامعه، اشکال، ساختار و ارزش‌های خانواده و به طور کلی، الگوهای همسرگزینی و نظام خانواده تحت تأثیر صنعتی شدن دچار تغییر و تحول شده و در جوامع رو به توسعه با آهنگی آرام در حال تغییر است. با تغییر الگوی خانواده از گسترده به هسته‌ای، چگونگی انتخاب همسر نیز در بسیاری جوامع تغییر یافته است؛ زیرا در خانواده گسترده، ازدواج مبتنی بر تصمیم و نظر افراد و اعضای خانواده بود، ولی با هسته‌ای شدن خانواده‌ها، حق انتخاب آزاد همسر در جامعه هنجار شده است. اکنون آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم‌گیری در خانواده، عادی شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییرات ازدواج و خانواده محسوب می‌شود. به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش‌ها و گسترش شهرنشینی، برطرف شدن محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف کاهش یافته که بر بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه تأثیر گذاشته است (شیخی، ۱۳۸۲، ص ۵۳-۵۴).

آن گونه که از احادیث برمی‌آید، زن و خانواده در دوران قبل از ظهور، به اوج جاهلیت خود می‌رسد، از جمله این احادیث عبارت است از: «يُزْفَعُ الْعِلْمُ وَ يَظْهَرُ الْجُهْلُ وَ يُشْرَبُ الْخَمْرُ وَ يَفْشُو

الرِّثَا؛ علم برداشته می‌شود، نادانی فراگیر می‌شود، زنا و مشروب‌خواری شایع می‌شود» (نهج الفصاحه، ص ۳۳۷). یکی از آسیب‌های مهم این است که زنان خودشان را به شکل مردان و مردها خودشان را به شکل زنان در می‌آورند: «یتشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ ص ۴۲۸ و ۲۹۲). در روایات معصومان علیهم‌السلام به تنزل ارزش‌های اخلاقی در خانواده‌ها و جامعه و تأثیر آن بر از بین رفتن کانون خانوادگی اشاره‌های مختلفی شده و اخباری مبنی بر حرکت جامعه بشری به این سمت شده است. امام علی علیه‌السلام خبر از طبیعی جلوه داده شدن رفتارهای ضد اخلاقی در خانواده و بی‌توجهی به انحراف و انحطاط آن داده است: «وَيَرَى الرَّجُلَ مِنْ زَوْجَتِهِ الْقَبِيحَ فَلَا يَنْهَاهَا وَلَا يُزِدُّهَا عَنْهُ وَيَأْخُذُ مَا تَأْتِي مِنْ كَدِّ فَرْجِهَا وَمِنْ مُفْسِدِ خَدْرِهَا حَتَّى لَوْ نُكِحَتْ طَوَلًا وَعَرْضًا لَمْ يَنْهَاهَا وَلَا يَسْمَعُ مَا وَقَعَ؛ مرد از همسرش انحراف‌های جنسی را می‌بیند و اعتراضی نمی‌کند، از آنچه از طریق خودفروشی به دست آورده، می‌گیرد و می‌خورد، اگر انحراف سراسر وجود را فرا گیرد، اعتراض نمی‌کند، به آنچه انجام می‌شود و در حقش گفته می‌شود، گوش نمی‌دهد. پس او کسی است که (بیگانگان را بر همسر خود وارد می‌کند) (کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۷۷؛ یزدی حائری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۶۳). همچنین ایشان می‌فرماید: «وَيُعِيرُ الرَّجُلُ عَلَى صَوْنِ النِّسَاءِ؛ مرد به خاطر حجاب همسر، دختر، مادر و خواهرانش سرزنش می‌شود» (یزدی حائری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۸۳).

یکی از نشانه‌ها این است که اگر مردی بخواهد صیانت خانم و دختران خودش را به عهده بگیرد و یک مقدار مواظبت و حراست بیشتری از زن، دختر و ناموس خودش داشته باشد، سرزنش می‌شود. همچنین «يعير الرجل على صون النساء»؛ یعنی اگر کسی بخواهد یک مقدار رعایت حدود الهی را بکند و نوعی صیانت و مصونیت بخشی برای زنان اعمال کند، توسط خود آن زن یا افراد دیگر در جامعه سرزنش می‌شود. دقت کنید که در این روایت یک مسئله مهمی را به ما هشدار داده و توجه داده که می‌فرماید: «يعير الرجل على صون النساء». شهید مطهری، در کتاب حجاب می‌گوید: آنچه اسلام درباره زن توصیه می‌کند، مصونیت بخشی به او است، نه محدود کردن او. در این روایت می‌فرماید: «يعير الرجل على صون النساء»؛ یعنی اگر کسی بخواهد همان حداقل‌ها و مسائل و قوانینی را اعمال کند که باعث مصونیت زنان می‌شود، سرزنش می‌شود. در اینجا، محدود کردن زن مورد نظر نیست (رک. آسیب‌شناسی آخرالزمان، ۱۳۸۱).

در دو دهه اخیر، خانواده در ایران به لحاظ ساختاری و کارکردی و نیز جمعیتی دستخوش تغییر بوده است که این دگرگونی، خود ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد

صنعتی و به دنبال آن، تضعیف خانواده گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای است (اعزازی، ۱۳۸۲، ص ۴۵). چالش‌های بین ارزش‌های سنتی و مدرن، ورود فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن و نیز تحولات عمیق و گسترده سیاسی و اقتصادی و پیدایی طبقه متوسط شهری، افزایش بی‌سابقه مصرف کالاهای جدید، ورود امکانات جدید ارتباطی، مانند اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای به زندگی شهروندان سبب تغییرات ارزشی شدید در جامعه ما شده است (آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). ارزش‌های خانوادگی با همه اهمیت‌هایی که دارند، در جهان امروز رو به افول می‌روند. برای نمونه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد که نشان‌دهنده زنگ خطری برای ارزش‌های خانوادگی در غرب است: در آمریکا برای نخستین بار، زنان بیشماری بدون همسر به سر می‌برند. به گزارش نیویورک تایمز، آمار این زنان که در سال ۱۹۵۰، ۳۵ درصد و در سال ۲۰۰۰، ۴۹ درصد بود، در سال ۲۰۰۵، به ۵۱ درصد رسیده است. هم‌اکنون در آمریکا، فقط ۲۵ درصد از کودکان در خانواده‌های رسمی و با والدین حقیقی خود زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۶۰، ۱۷/۵ درصد از کودکان بدون پدر زندگی می‌کردند و با وجود افزایش فناوری پزشکی و امید به زندگی، در سال ۱۹۹۰، ۳۶/۳ درصد کودکان دور از پدرانشان به سر می‌بردند. این آمار در آغاز قرن ۲۱، به ۵۰ درصد رسیده است. هر سال در آمریکا، ۳۵۰ هزار دختر نوجوان بدون ازدواج، مادر می‌شوند. در سال ۱۹۹۴، شمار زایمان دختران نوجوان، به ۴۶/۴ در هزار رسید؛ حال آنکه این میزان در سال ۱۹۶۵، ۱۶/۷ در هزار بوده است. در سال ۲۰۰۷، بر اساس نتایج پژوهشی در آمریکا مردان بزرگ سالی که در خانواده‌های تک‌والدی پرورش یافته‌اند، در دوران کودکی، بیش از دیگر مردان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. در این کشور، کودک آزاری جنسی، کاری عادی تلقی می‌شود و سالیانه بین سه تا پنج میلیارد دلار، صرف هزینه‌های پزشکی مربوط به خشونت‌های خانگی می‌شود. ۴۲ درصد از زنان بزرگ سال آمریکا گزارش داده‌اند که در دوران کودکی توسط یک بزرگ سال یا بزرگ‌تر از خود مورد تعدی جنسی قرار گرفته‌اند (خاولاشاه، ۲۰۰۹). همه این موارد بیانگر تضعیف ارزش‌های خانوادگی در غرب است که متأسفانه در حال تسری به کشورهای اسلامی و شرقی نیز است (حسین‌خانی، ۱۳۹۲، ص ۸۳-۸۴).

هر اندازه که ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی رنگ می‌بازند، شهوت‌گرایی و لذت‌جویی در آخرازمان گسترش می‌یابد و فزون‌تر می‌شود، ارزش‌ها دگرگون و جا به جا شده و به ضد ارزش تبدیل می‌شود و ضد ارزش‌ها حاکمیت می‌یابد و خانواده‌ها را به مرز نابودی اخلاق می‌کشاند. امام

صادق علیه السلام می فرماید: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ هُمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَفُرُجُهُمْ، فَلَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَلَا بِمَا نَكَحُوا؛ (در آخرالزمان) همه همت مردم به سیر کردن شکم و رسیدگی به شهوتشان خلاصه می شود، دیگر اهمیت نمی دهند که آنچه می خورند، حلال است یا حرام؟ و اینکه آیا راه اطفای غرایزشان مشروع است یا نامشروع؟!» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۴۲). از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است: «يَكُونُ الرَّجُلُ هَمَّهُ بَطْنُهُ وَقِبْلَتُهُ زَوْجَتُهُ وَدِينُهُ دِرَاهِمُهُ؛ (در آخرالزمان) مردانی وجود دارند که تمام همت و عزم شان برای پر کردن شکم هایشان است (و اصلاً به فکر معیشت دیگران نیستند). همسران شان قبله آنها است و دین آنها هم پولشان می شود» (کاطمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲؛ کامل، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۶۹).

به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش ها و گسترش شهرنشینی، برطرف کردن محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف کاهش یافته که بر بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه تأثیر گذاشته است (شیخی، ۱۳۸۲، ص ۵۴). به این اختلاط و کثرت روابط ناسالم در اخبار غیبی، اشاره و نسبت به آن هشدار داده شده است: «اِذَا رَفَعُوا الْبَنِيَانَ وَشَاوَرُوا النِّسْوَانَ وَيَكْثُرُ الْاِخْتِلَاطُ؛ هنگامی که ساختمان ها بلند شود، زن ها مورد مشورت قرار گیرند و اختلاط زن و مرد فراوان شود» (کامل، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۰۸). این تنزل ارزشی افراد در خانواده نهی شده و انذار داده شده که رفتارهای ضد ارزشی ممکن است به مسخ کشیده شود. علامه مجلسی به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان می فرماید: «أَيُّ خِزْيٍ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ عَلَى خَوَانِهِ وَسَطَ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُبُوبَ عَلَيْهِ وَ صَرَخُوا فَيَقُولُ النَّاسُ مَا هَذَا؟ فَيَقُولُ: مُسِيخٌ فَلَانَ السَّاعَةَ؛ چه خواری از این بالاتر که شخصی در میان خانه و خانواده اش در کنار سفره نشسته باشد و ناگهان خانواده اش گریبان چاک کنند و ناله سر دهند. مردم می پرسند چه شده است؟ جواب می دهند این فلانی است که همین الان مسخ شد» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۲، ص ۲۴۱). این حدیث با اندکی تغییر در الغیبه نعمانی بیان شده و در آن آمده است که این اتفاقات و حوادث قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف رخ خواهد داد: «عن أبي بصير قال قلت لأبي عبد الله قول الله عز و جل «عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ مَا هُوَ عَذَابُ خِزْيِ الدُّنْيَا» فقال: وَ أَى خِزْيٍ أَخْزَى يَا أَبَا بَصِيرٍ مَنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَ حِجَالِهِ وَ عَلَى إِخْوَانِهِ وَسَطَ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلَهُ الْجُبُوبَ عَلَيْهِ وَ صَرَخُوا فَيَقُولُ النَّاسُ مَا هَذَا فَيَقُولُ مُسَخٌّ فَلَانَ السَّاعَةَ فَيَقُولُ مُسَخٌّ فَلَانَ السَّاعَةَ فَقُلْتُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام أَوْ بَعْدَهُ قَالَ لَا بَلْ قَبْلَهُ» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۰).

یکی دیگر از مسائل ضد ارزشی خانواده ها در آخرالزمان، حرام خوری و آلوده کردن فضای

بر ذائقه افراد تأثیر می‌گذارد و ساختارهای متناسب با این باورها را طلب می‌کند. به همین دلیل است که گاه برابری نقش‌های زن و مرد با تمام مشقت جسمی و روحی که بر زنان حمل می‌کند و آسیبی که به کانون خانواده می‌زند، همچنان مطلوب آرمانی گروهی از زنان است (بیرامی، ۱۳۷۸، ص ۶۴). بر این اساس، از عواملی که رابطه زوجیت را میان زن و شوهر سست می‌نماید، تسلط و زورگویی زن بر شوهر خود است که تلاش می‌کند تا خواسته خود را بروی تحمیل کند و در همه روابط خود با استبداد و خودرأیی برخورد و سعی کند که او را از فامیل و خویشانش دور کند. این انگیزه در بسیاری از موارد، عقده و کینه شوهر را به دنبال دارد. رسول گرامی خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا رَأَيْتِ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَتَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَمُهَا وَتُنْفِقُ عَلَيْهِ مِنْ كَسْبِهَا فَيَرْضَى بِالذَّنْبِ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ آخرالزمان هنگامی است که زن را ببینی که با خشونت با همسرش رفتار می‌کند. آنچه را که او نمی‌خواهد انجام می‌دهد و از درآمد شخصی خود به شوهرش انفاق می‌کند و شوهرش برای چیزی اندک از متاع دنیا خشنود می‌شود و ناملایمات همسرش را تحمل می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۹؛ مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۲، ص ۲۵۷). مهم‌ترین خطر برای خانواده و تغییر ساختار آن، جا به جایی نقش زن و مرد است. زن همواره به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌های معنوی، مانند قناعت، حیا، عفت و غیره به نسل بعدی بوده است؛ اما امروزه این خطر وجود دارد که به عامل انتقال ارزش‌های فردگرایانه و لیبرالی، مانند اباحه‌گری و غیره به نسل بعد تبدیل شود. از پیامبر اکرم ﷺ در وصف آخرالزمان نقل است: «إِذَا شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا؛ هنگامی که زنان با شوهرانشان به خاطر حرص به دنیا در تجارت مشارکت کنند» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ص ۴۲۸). ما امروزه به روشنی شاهد تحقق این حدیث هستیم. عده‌ای از زنان به دلیل حرص به دنیا به جای عمل به وظایف سنگین و مهم خود، مشغول به کار می‌شوند تا ثروت‌اندوزی کنند و بر دارایی‌های مادی خود بیفزایند؛ در حالی که مهم‌ترین وظیفه خود، یعنی تربیت فرزند را به فراموشی سپرده‌اند؛ فرزندی که می‌تواند بهترین ثروت و دارایی مادی و معنوی باشد و به عنوان یک صدقه جاریه، نیک‌بختی ابدی را برای پدر و مادرش به ارمغان آورد.

در روایتی آمده است: «يُطِيعُ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَيَعْصِي وَالِدَيْهِ فِي هَلَاكِ أَخِيهِ وَ يَجْفُو جَارَهُ وَ يَقَطَعُ رَحْمَهُ وَ تَرْتَفِعُ أَصْوَاتُ الْفُجَّارِ!؛ مرد از همسرش اطاعت می‌کند؛ ولی پدر و مادرش را نافرمانی می‌کند و برای به هلاکت رسانیدن برادرش تلاش می‌کند، به همسایه‌اش ستم روا می‌دارد و پیوند خویشاوندی را قطع می‌کند و صدای فاجران بلند می‌شود» (حائری یزدی، ۱۴۲۱، ص ۱۸۱ و

۱۹۵؛ کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲، ۲۳ و ۷۶). جابه جایی نقش زن و مرد یکی از عوامل تشدید اختلاف های خانوادگی و طلاق های عاطفی است که گاهی به جدایی و طلاق می انجامد. در نظام طبیعت، زن محور عطوفت و مهربانی در زندگی است و مرد نقش حمایتگر، سرپناه قدرتمند و نان آور را برعهده دارد؛ در واقع، طرح تکوین خلقت، عاری از هر گونه جهت گیری بر این نقش ها پایه گذاری شده است.

زندگی صنعتی کنونی تغییرات بسیاری را به زندگی افراد جامعه تحمیل کرده که یکی از شایع ترین آنها جا به جایی نقش زن و مرد است. ساختار، استخوان بندی یک خانواده را تعیین می کند. پدر، مادر، فرزندان و سلسله مراتب میان آنان و نیز ارتباطی که با نسل های قبلی (پدربزرگ، مادربزرگ) و بعدی (نوه ها) برقرار می شود، همه در یک ساختار قابل تعریف و مشخص گنجانده می شود که تصویر سطحی آن، شبیه چیزی است که در شجره نامه های خانوادگی می بینیم. دگرگونی های گسترده خانواده دیروزی با خانواده امروزی، که متأثر از فرهنگ غربی است، سبب دو تحول ساختاری و کارکردی در خانواده ها شده است، تحول ساختاری در این عرصه، حوزه ساختار قدرت خانواده را تعیین می کند و حوزه کارکردی، به وظایف خانواده در طول حیات خود اشاره دارد. در راستای این تحولات، جامعه شناسان مسیر دگرگونی های خانواده را از خانواده گسترده به هسته ای شناسایی کرده اند. با این نگاه، می توان یکی از عوامل مهم تأخیر سن ازدواج را در میان جوانان تبیین کرد. آنچه در جامعه امروز شاهدیم، تحول خانواده به سوی خانواده های هسته ای است! (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). تغییرات ساختی در خانواده های عصر جدید، دستاورد کوچک شدن حجم خانوار، دگرگونی در نظرها و برداشت ها از مسئله طلاق و دگرگونی هایی است که در نقش مرد و زن به وجود آمده است. به دلیل آنکه طلاق یک روش پذیرفته شده برای پایان دادن به ازدواج است، هر جا که مسئله کودکان مطرح است، تغییراتی در ساخت خانواده ایجاد شده است. وقتی پدر یا مادر، خانواده را ترک می کند، کارکردها و مسئولیت های افراد دیگر خانواده باید به گونه ای تغییر کند که بتواند جای خالی آنان را پر کند. انتظارات و نقش های دو طرف ازدواج از جنگ جهانی دوم به بعد، به شدت دگرگون شده و به ویژه نقش زن، بیشتر تغییر کرده است (رک. کوئن، ۱۳۷۵؛ ساروخانی، ۱۳۷۵).

خانواده در عصر کشاورزی، مهم ترین کانون اقتصادی تلقی می شد و کار با خانواده ارتباط نزدیکی داشت. مرد بیرون از خانواده کار می کرد و زن برای مراقبت از فرزندان در خانه باقی

می ماند. امروزه فقط ۵/۵ درصد از بچه ها نزد مادرشان در منزل نگه داری می شوند. در ۲۸ درصد مواقع پدر و مادر، هر دو کار می کنند و درصد خانواده هایی که هیچ یک از والدین برای نگهداری فرزندان در خانه حضور ندارند، رو به فزونی است. این روند بیانگر وجود تضاد بین کار و خانواده است (سنگه، ۱۳۸۰، ص ۳۹۵). از این رو، در خانواده هسته ای فرزندان از سنین کم در مهد کودک حضور دارند و زنان نیز به کارهای با درآمدهای متفاوت اشتغال دارند که این درآمد بخشی از هزینه های زندگی شهری را تأمین می کند. در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره دگرگونی های آینده زندگی بشر نقل شده است: «إِذَا شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا؛ هُنَّ كَمَا كَانَتِ نِسَاءُ نَبِيِّنَّ» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۲۶) و نیز در حدیثی آمده است: «وَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرِّبَا وَيَتَعَامَلُونَ بِالرُّشَى وَيُوضَعُ الدِّينُ وَتُرْفَعُ الدُّنْيَا؛ فِي ذَلِكَ زَمَانٌ، وَبِأَشْيَاعٍ مِثْلِهِ يَتَعَمَّقُ الرِّبَا وَيَتَعَمَّقُ الرِّبَا وَيَتَعَمَّقُ الرِّبَا» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۴۹).

۳-۳. تحولات در کارکرد خانواده (کارکرد تربیتی)

خانواده در جامعه ما در حال تغییر و گذار از سنتی به مدرن و از گسترده به هسته ای است و کارکردهایش هم در حال از دست رفتن و تغییر است. خانواده، کارکردهای بسیاری داشته است، مانند کارکردهای اقتصادی، آموزش دین، تولیدی، مهارت های شغلی و غیره که همه اینها را از دست داده است. اولین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می کند، از محیط خانواده است و حتی تأثیرپذیری فرد از محیط های دیگر می تواند سرچشمه گرفته شده از همین محیط خانواده باشد. خانواده پایه گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی بر عهده دارد. یکی از مهم ترین عوامل آسیب پذیری تربیت دینی نوجوانان و جوانان، به ویژه در عصر حاضر (در خانواده هسته ای)، سهل انگاری و بی تفاوتی بیش از حد خانواده ها در تربیت دینی فرزندان است. امروزه پرداختن والدین به برطرف کردن تنگناهای اقتصادی، دغدغه نان و لباس و تحصیل فرزندان، عدم استفاده از روش های درست آموزش و تربیت و سستی بعضی از خانواده ها در ارزش های اخلاقی و دینی، نقش نهاد خانواده را در تربیت دینی کم رنگ کرده است (محمودی و میرمقتدایی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴). بر این اساس، در روایات ما توجه زیادی به این تغییر کارکرد - به ویژه کارکرد تربیتی

خانواده - شده است. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «يَكُونُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدَيِ أَبِيهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبَوَانِ فَعَلَى يَدَيِ زَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَوَلَدٌ فَعَلَى يَدَيِ قَرَابَتِهِ وَجِيرَانِهِ؛ هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می‌یابد. اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگانش است» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ص ۴۳۷؛ کشکول شیخ بهایی، ص ۵۷۰).

روایت شده که روزی رسول خدا ﷺ به برخی از کودکان نگاهی کرد و فرمود: «وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ! فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟ فَقَالَ: لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ، لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ؛ وای بر فرزندان آخرالزمان از روش پدرانشان! عرض شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه، از پدران مسلمانان که چیزی از فرایض دینی را به آنها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان شان به دنبال فراگیری بروند، منعشان می‌کنند. و تنها از این خشنودند که آنها درآمد مالی داشته باشند؛ هر چند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند» (جامع الاخبار، ص ۱۰۶؛ الحکم الزاهره، ص ۴۴۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴، ح ۱۷۸۷۱).

یکی دیگر از مشکلات خانواده‌ها در آخرالزمان، مسئله عدم همراهی و تبعیت خانواده از سرپرست خانواده (پدر) است. از امام صادق ع روایت شده که فرمود: «تَلْبَسُ بِلِبَاسِ الْكُفَّارِ... وَلَا يَتَمَكَّنُ لِزَوَاجِهِنَّ وَلَا تَكْفِي مَكَاسِبُ الْأَزْوَاجِ لَهُنَّ؛ در آن زمان (آخرالزمان) لباس کافران را می‌پوشند... و از شوهران خود تمکین نمی‌کنند و درآمد شوهرانشان کفاف مخارج آنها را نمی‌دهد» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۲، ص ۲۵۸). این مسئله فقط بین زن و شوهر نیست و همه افراد، به ویژه فرزندان را شامل می‌شود و ما شاهد دور شدن تدریجی دو یا سه نسل از یکدیگر از لحاظ جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی هستیم و این امر وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً «گسست نسل‌ها» نامیده می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و در این راه، بیشتر به گردن‌کشی و طغیانگری می‌پردازند (اسپاک، ۱۳۷۱، ص ۲۵۹). به هر حال، دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی چند دهه گذشته و اثرهایی که بر نهاد خانواده گذاشته، میزان ناسازگاری‌های خانوادگی را افزایش بخشیده است و این مسئله‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنارش گذشت!

۳-۴. تحولات در روابط خانواده

یکی از ابعاد مهم تغییر در خانواده‌ها، تغییر در مناسبات و روابط است؛ هم رابطه درون خانواده و هم رابطه بیرون خانواده؛ یعنی روابط والدین با هم، با فرزندان و با خانواده‌های جدیدی که به وجود می‌آید. این تغییر مناسبات باید جدی گرفته شود. برای مثال، شیوه‌های همسرگزینی تغییر کرده است. در جوامع سنتی، پدر و مادر برای فرزندان‌شان همسرانتخاب می‌کردند؛ ولی اکنون حق جوانان در انتخاب همسر، بسیار زیاد شده و برای دیگران حقی قائل نیستند. در واقع، ازدواج یک امر فردی شده و مناسبات زن و شوهر هم تغییرات زیادی کرده است.

امروزه و در عصر ارتباطات، با سلطه رسانه‌های ارتباط جمعی، زندگی بشر به سمت فردگرایی سوق یافته و افراد را از تعامل با دیگران باز داشته است. این موضوع ناشی از نوع بهره‌برداری غیر فرهنگی و نادرست از این رسانه‌ها است. استفاده بی‌حد و حصر ابزارهای ارتباطی، ارتباط بین فردی و چهره‌به‌چهره را در خانواده کم‌رنگ کرده و سبب حاکم شدن فضای انفرادی، به جای فضای جمعی و عاطفی بر خانواده شده است. به طوری که گسترش تکنیکی رسانه‌های شنیداری و دیداری، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی خانواده را نشان می‌دهد و به تدریج، فضای روانی و محیطی گفت‌وگو در ارتباط بین فردی در خانواده، تغییر یافته و اعضای خانواده را به جای هم‌گرایی، به واگرایی سوق داده است (رک. گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۲۴). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که شبکه‌های خانوادگی (دو خواهر یا دو برادر) استحکام کمتری نسبت به دهه‌های قبل دارد. میزان ارتباطات بین خانواده‌ها به لحاظ دفعات ارتباط و میزان صمیمیت کمتر شده است و خانواده‌ها درون‌گراتر از قبل شده‌اند. بخشی از این تغییرات به این علت است که ازدواج‌های فامیلی یا درون‌گروهی در دهه‌های اخیر کاهش یافته که این امر، پدیده‌ای قابل طرح و بررسی است. قطع رحم، بی‌احترامی به همدیگر، خصومت و کینه‌توزی و غیره، از جمله مسائل حادی است که بر اساس روایات، گریبان‌گیر جامعه بشری خواهد شد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «و رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرُوا اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدِينَ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَالِدِ وَ يَفْرَحُ بَأَن يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا؛ و می‌بینی که عاق والدین شدن رواج یافته، پدر و مادر سبک شمرده می‌شوند و والدین نزد فرزندان پست‌تر از هر شخص دیگر می‌باشند و شاد می‌شود که افتراپی به آنها بزند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۴۱). همچنین آمده است: «يَفْتَرِي الْوَالِدَ عَلَى أَيْبِهِ وَ يَدْعُو عَلَى الْوَالِدِيهِ وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا؛ فرزند به پدرش تهمت می‌زند، پدر و مادرش را نفرین می‌کند و از مرگ

آنها مسرور می شود» (همان؛ مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۲، ص ۲۵۶). از هم گسیخته شدن روابط خانوادگی، مشکلات و آسیب های فراوانی ایجاد می کند که از جمله آنها، عاق والدین زیاد شده و ارزش و جایگاه والدین در خانواده ها کمتر می شود.

در روایتی از رسول خدا ﷺ بر گسترش روابط غیر محترمانه و پرخاشگری افراد نسبت به هم و هرج و مرج کم نظیر حاکم بر رابطه افراد، به ویژه خانواده ها اشاره شده است: «تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَلَا صَغِيرٌ يُوقِرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَّتًا؛ مهدی این امت از ما است. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شده، فتنه ها آشکار شود، راه ها مورد راهزنی قرار گرفته، بعضی از مردم به بعضی دیگر تهاجم کنند، بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما قیام می کند» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۲، ص ۲۶۷). از هم گسستن روابط خانوادگی و قطع رحم، یکی دیگر از چالش های فراروی خانواده است که در روایات به آن تصریح و هشدار داده شده است. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «وَقَطَّعُوا الْأَرْحَامَ وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَاسْتَحَفُّوا بِالِدِمَاءِ؛ هنگامی که پیوند خویشاوندی قطع شود و برای اطعام و میهمانی دادن بر یکدیگر منت گذارند» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۱۳۴) و نیز فرمود: «إِذَا قَطَّعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ؛ زمانی فرا می رسد که رابطه های خویشاوندی قطع شده و اموال در دست افراد شرور خواهد بود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۴۸).

یکی دیگر از آسیب ها و مشکلات خانواده ها در آخرالزمان، عدم رعایت حقوق همسایگان و همسایه آزاری به طرق گوناگون است. در این باره امام صادق علیه السلام فرمود: «يُؤْذِي الْجَارُ جَارَهُ، لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ؛ همسایه به همسایه اش آزار و اذیت می کند و کسی جلوگیری نمی کند» (همان، ج ۸، ص ۳۸) و نیز می فرماید: «وَرَأَيْتَ الْجَارَ يُكْرِهُ الْجَارَ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ وَرَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ عَطِلَتْ؛ و همسایه را می بینی که همسایه اش را اذیت می کند و همسایه از زبان او وحشت دارد» (همان، ص ۴۰). همچنین می فرماید: «يُطِيعُ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ يَجْفُو جَارَهُ وَ يَقَطِّعُ رَحْمَهُ وَ تَرْتَفِعُ أَصْوَاتُ الْفُجَّارِ؛ مرد از همسرش اطاعت می کند، ولی پدر و مادرش را نافرمانی می کند و برای به هلاکت رسانیدن برادرش تلاش می کند، به همسایه اش ستم روا می دارد و پیوند خویشاوندی را قطع می کند و صدای فاجران بلند می شود» (کامل، ۱۳۸۶، ج ۲، ح ۱۰۶۸). در جمع بندی این قسمت می توانیم بگوییم که بر اساس اخبار غیبی و آینده نگر دینی، وضعیت خانواده هم در اصل و هم در عناصر آن (ارزش ها، کارکردها، ساختار و روابط) دچار مشکلات عدیده ای شده و چالش های بزرگی را تجربه خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل جدی درباره آینده زندگی خانوادگی، فروپاشی و نابودی نظام ازدواج و تشکیل شرعی خانواده و ارضای مشروع جنسی و ازدیاد نسل و بی‌توجهی به ارزش و جایگاه خانواده است. همان‌گونه که برآوردها از وضعیت فروپاشی خانواده‌ها در سال‌های آینده امیدوارکننده نیست و امیدی، حتی به توقف این وضع در آینده نزدیک نیست و در همان حال که به دلیل زیاد شدن طلاق از تعداد خانواده‌های ایرانی کاسته می‌شود، در فرآیند تشکیل خانواده‌های جدید نیز اختلال ایجاد می‌شود. البته خانواده از کانون‌های تغییرات ارزشی در جامعه است که در آن، دو نسل با ارزش‌های مشترک و یا متفاوت «جدید» و «قدیم» همزیستی دارند. در دوران جدید و در جوامع صنعتی، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن و به طور کلی، الگوهای همسرگزینی و خانواده تحت تأثیر صنعتی شدن و به دنبال آن جهانی شدن، دچار تغییر و تحول شده و در جوامع رو به توسعه، یا به اصطلاح پیرامونی با آهنگی آرام در حال تغییر است. این تحولات عمدتاً وجه منفی داشته و در روایات آخرالزمانی پیشگویی شده‌اند. از طرفی، با تغییر الگوی خانواده از گسترده به هسته‌ای، نحوه انتخاب همسر نیز در بسیاری جوامع تغییر کرده است؛ زیرا در خانواده گسترده، ازدواج یک تصمیم اقتصادی و مبتنی بر تصمیم و نظر دیگر افراد و اعضای خانواده بود، ولی با هسته‌ای شدن خانواده‌ها، ازدواج، تبدیل به یک تصمیم عاطفی و احساسی شده است. حق انتخاب آزاد همسر، آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم‌گیری در خانواده، عادی شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییرات ازدواج و به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش‌ها و گسترش شهرنشینی، رفع محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف کاهش یافته، که بر بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه [از جمله ازدواج] تأثیر گذاشته است (شیخی، ۱۳۸۲، ص ۵۳-۵۴).

بر این اساس، با بررسی تحلیلی روایات و پیشگویی‌های دینی درباره وضعیت خانواده قبل از ظهور، روشن می‌شود که خانواده از پنج جنبه به شدت آسیب می‌بیند و چالش‌زا می‌شود:

۱. اصل و ماهیت خانواده که بر اساس روایات، خانواده‌ها در این دوران دچار فروپاشی گسترده می‌شوند و نظام خانواده به شدت تهدید می‌گردد.
۲. ارزش‌ها و دانش‌های خانواده، از عرصه‌های چالش‌خیزی است که دچار تحولات منفی فراوانی می‌شود و با جا به جایی ارزشی در نظام خانواده و حاکمیت رذایل و مسائل ضد ارزشی در این دوران رو به رو خواهیم بود.

۳. تغییرات منفی گسترده‌ای در کارکردهای تربیتی، آموزشی، اخلاقی و حتی جنسی خانواده روی می‌دهد که آن را از یک کانون محوری و اثرگذار، به یک کانون منفعل و آسیب دیده تبدیل می‌کند!

۴. روابط عاطفی، محترمانه و آگاهانه خانواده، به شدت تخریب می‌شود و روابط ناسالم، نادرست، سرد و بی‌روح در خانواده‌ها شکل می‌گیرد.

این نگاه روایی به خانواده و خبر دادن از تحولات گسترده و منفی در حوزه خانواده، ضمن آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی، هشدارهای جدی به کسانی است که بدون هر گونه آینده‌نگری و تأمل، برای خانواده‌ها برنامه می‌ریزند و نسخه می‌پیچینند! این احساس خطر درباره خانواده، باید وظایف دشوار و سنگین سیاست‌گذاران و اندیشمندان و حتی آحاد جامعه را گوشزد کند و همه را به سمت حراست جدی از کانون خانواده سوق دهد. نکته شگفت در این روایات، آن است که ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ، بعد از این وضعیت تیره و تار خانواده و به عبارت روشن‌تر، همراه با تحولات منفی خانواده خواهد بود. چنان که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «و ذلك عندما تصير الدنيا هرجا و مرجا، و يغار بعضهم على بعض، فلا الكبير يرحم الصغير و لا القوي يرحم الضعيف، فحينئذ ياذن الله له بالخروج؛» [غیبت] در هنگامی است که دنیا دچار آشفتگی می‌شود و مردمان به یکدیگر می‌تازند، نه بزرگ به کوچک رحم می‌کند و نه قدرتمند بر ناتوان، در این هنگام خداوند به امام [غایب] اجازه خروج می‌دهد» (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۵۲، ص ۳۸۰). با ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ این وضعیت نگران‌کننده و نابسامان عکس شده و خانواده در مسیر مطلوب و آرمانی خود قرار می‌گیرد.

فهرست منابع

- نهج البلاغه.
- نهج الفصاحه.
۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت.
 ۲. آزاد ارمکی، تقی و حسن، خادمی (۱۳۸۲)، «ترجیبات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی»، نامه پژوهش فرهنگی (فصلنامه تحقیقات فرهنگی)، سال هشتم، ش ۸.
 ۳. آل اسحاق، زهرا (۱۳۸۹)، «جایگاه اخلاق در حقوق خانواده و مهریه»، فصلنامه *تعالی حقوق*.
 ۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمّه فی معرفه الائمه*، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
 ۵. اسپاک، بنجامین (۱۳۷۱)، پرورش فرزند در عصر دشوار، ترجمه هوشنگ ابرامی، تهران: صفی‌علیشاه.
 ۶. اعزازی، شهلا (۱۳۸۲)، «جامعه‌شناسی خانواده»، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
 ۷. بیرامی، منصور (۱۳۷۸)، *خانواده و آسیب‌شناسی آن*، تبریز: آیدین.
 ۸. بخارایی، احمد (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران*، تهران: انتشارات پژواک جامعه.
 ۹. _____ (۱۳۹۲)، «ارزش‌های خانوادگی و روش‌های تحقق آن از دیدگاه اسلام»، پژوهش‌های تربیتی، سال پنجم، پیاپی ۱۰، ش ۲.
 ۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)، *اثبات الهداه*، بیروت: اعلمی.
 ۱۱. _____ (۱۴۰۹)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: انتشارات آل‌البیت لإحياء التراث.
 ۱۲. حسین‌خانی، هادی (۱۳۹۰)، *معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن*، پایان‌نامه دکتری، رشته علوم تربیتی قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 ۱۳. راوندی، قطب‌الدین ابی‌الحسن سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۹)، *الخراج والخراج*، قم: مؤسسه امام مهدی.
 ۱۴. زهراکار، کیانوش و فروغ، جعفری (۱۳۹۱)، *مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرایند و نظریه‌ها)*، تهران: ارسباران.
 ۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *مبانی جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
 ۱۶. سجادی، سید ابراهیم (۱۳۸۳)، «همگرایی و فروپاشی نهاد خانواده در قرآن»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ش ۳۷ و ۳۸.
 ۱۷. سنگه، پیتر (۱۳۸۰)، *پنجمین فرمان*، ترجمه کمال هدایت و محمد روشن، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
 ۱۸. شیخی، محمد تقی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: شرکت سهامی.
 ۱۹. صافی‌گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹)، *منتخب‌الاثر*، قم: سیده‌المعصومه.
 ۲۰. صالحی‌امیری، سیدرضا و همکاران (۱۳۸۹)، *آینده‌پژوهی مسائل خانواده*، به سفارش گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
 ۲۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۹۵)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۲. طوسی، ابی‌جعفر (۱۴۱۱)، *الغیبه*، قم: مؤسسه معارف اسلامی.

۲۳. فروتن، یعقوب (۱۳۹۲)، «چالش‌های خانواده‌ی معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرآیند گذار جمعیتی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، ش ۸.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: علمیه.
۲۵. کارگر، رحیم (۱۳۸۵)، آینده جهان، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۲۶. کاظمی، مصطفی بن ابراهیم (۱۳۸۹)، بشاره الاسلام فی علامات المهدی علیه السلام، قم: مکتبه الحیدریه.
۲۷. کامل، سلیمان (۱۳۸۶)، *یوم الخلاص*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران: آفاق.
۲۸. کرباسی، محمد علی (۱۳۸۸)، کتاب شناسی آسیب‌های اجتماعی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. کوئن، بروس (۱۳۷۵)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی، تهران: سمت.
۳۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
۳۲. مجلسی، محمد تقی (۱۳۸۶)، بحار الانوار، تهران: اسلامی.
۳۳. مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: نوبل.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۸۶)، پیشگویی‌ها در علائم آخرالزمان، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۵. محمودی، محمود و زهره السادات، میرمقتدایی (۱۳۸۹)، «نقش خانواده در تثبیت یا تزلزل تربیت دینی»، آینده پژوهی مسائل خانواده، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳۶. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق.
۳۷. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (۱۴۰۱)، منتخب الانوار المصیئنه، قم: خیام.
۳۸. نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۹)، خانواده معاصر، گونه‌شناسی و مشکلات آن، کتاب نقد ۱۷: فمینیسم.
۳۹. یزدی حائری، علی (۱۴۲۱)، الزام الناصب، بیروت: مؤسسه الأعلمی.